



ناگفته‌هایی درباره شب قدر از زبان خاتمی خوانساری / ارتباط خواب پیامبر(ص) با نزول سوره قدر

استاد خاتمی خوانساری ضمن تبیین فلسفه شب قدر با توجه به آیات و روایات اسلامی، بر مشخص بودن شب قدر در زمان پیامبر(ص) تأکید کرد و گفت: در زمان پیامبر(ص) و در صدر اسلام شب قدر مشخص بود اما بعدها مسائل سیاسی باعث این اختلافات شد والا همه مردم می دانستند که شب قدر چه وقتی است و صبح فردای آن شب مردم دور پیامبر(ص) جمع می شدند و سؤالات خود را در مورد آن سال می کردند.

استاد خاتمی خوانساری ضمن تبیین فلسفه شب قدر با توجه به آیات و روایات اسلامی، بر مشخص بودن شب قدر در زمان پیامبر(ص) تأکید کرد و گفت: در زمان پیامبر(ص) و در صدر اسلام شب قدر مشخص بود اما بعدها مسائل سیاسی باعث این اختلافات شد والا همه مردم می دانستند که شب قدر چه وقتی است و صبح فردای آن شب مردم دور پیامبر(ص) جمع می شدند و سؤالات خود را در مورد آن سال می کردند.

استاد سید مرتضی خاتمی خوانساری طی گفتگویی با خبرنگار مهر، پیرامون شب قدر به سؤالات پاسخ داده است که در پی می آید:

*** خبرگزاری مهر: جناب استاد خاتمی اهمیت فرصت شب قدر برای انسانهای چقدر است و اساسا فلسفه شب قدر چیست؟**

****** استاد سیدمرتضی خاتمی خوانساری: نقلی در اوایل شرح صحیفه سجادیه است که به فلسفه شب قدر اشاره دارد. مسئله از اینجا نشأت گرفته است که پیامبر اکرم(ص) خوابی دیدند که به این خواب در آیه 60 سوره اسراء اشاره است « وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا « داستان خواب این بود که پیامبر(ص) در خواب می بینند که میمون ها بر منبرش بالا و پایین می آیند و ملعبه کردند و مردم در حالیکه رو به منبر هستند پشت پشت از در مسجد خارج می شوند و پیامبر(ص) از این خواب اندوهگین شدند و این آیه نازل شد و جبرئیل به پیامبر(ص) خبر داد که بعد از تو، بنی امیه که از بزرگترین دشمنان تو هستند و الان همه این جنگها را بر تو تحمیل می کنند، صاحب این منبر و حکومت و ریاست مسلمانها می شوند و این منبر تو ملعبه این بوزینه صفتها می شود و اینها از نظر قرآن شجره ملعونه هستند و ما آنها را می ترسانیم.

پیامبر(ص) تأسف شدیدی از این مسئله پیدا کردند چون بنی امیه بدترین دشمنان پیامبر بودند و با اسلام شدیداً عناد داشتند و پیامبر(ص) از آینده اسلام و تربیت دینی امت اش شدیداً ناراحت شدند. پیامبر(ص) از جبرئیل سؤال می کنند که آیا من زنده هستم که اینها این کار را می کنند و جبرئیل می گوید نه. پیامبر(ص) سؤال می کنند که چقدر مدت حکومتشان طول می کشد، جبرئیل می گوید: هزار ماه . بعد سوره قدر نازل شد که «ليلة القدر خير من الف شهر « ما یک شب را به امت تو می دهیم که از این هزار ماه بنی امیه بهتر است و در این یک شب عبادت بیش از هزار ماه را در پرونده امتت ضبط می کنیم که جبران آن کمبود تربیتها و توفیقاتی که کم رخ می دهد، بشود و الان هم دامنه این مسئله امروزه است چون اطلاعات و مسائل اسلامی بسیار از ابتدا ضعیف شد. پیامبر از این نگران بودند که حالا دنیای امتش این طور شد تکلیف آخرتشان که پرونده آنها از اعمال صالح خالی می شود، چه؟ به ایشان گفته شد که امت تو اگر یک شب را از غروب تا اذان صبح عبادت کنند مثل 83 سال و 4 ماه در پرونده آنها ضبط می کنیم بلکه بالاتر که جبران این مسائل شود و این مژده ای برای پیامبر(ص) بود.

***:** سؤالی که به ذهن می آید در مورد این است که قرآن چگونه بر پیامبر نازل شد و آیه « انا انزلنا فی ليلة القدر « اشاره به مسئله ای دارد؟

****:** قرآن دو جور نازل می شد گاهی قرآن 171#&نازلنا؛ می گوید یعنی یک دفعه می آید و گاهی 171#&تنزیل؛ می گوید که به معنی تدریج است. 171#&نازلنا؛ اشاره به این دارد که کل قرآن در شب قدر بر قلب پیامبر می آمد و جبرئیل از سه سال قبل از دعوت عمومی پیامبر(ص) همه قرآن را بر قلب پیامبر(ص) خواند و دیگر هر شب قدر این انزال بود تا شب قدر آخر که دو بار قرآن را بر قلب مبارک پیامبر(ص) خواند که پیامبر(ص) فرمودند امسال جبرئیل دوبار قرآن را بر من خواند و من بر این باورم که سال دیگر زنده نیستم. بنابراین رسالت پیامبر(ص) 23 سال طول کشید و بعلاوه سه سال قبل از آن و سال آخر که دو بار کل قرآن بر پیامبر خوانده شد که مجموعاً 27 بار همه قرآن بر قلب ایشان نازل شد. اما قرآنی که نوشته می شد 171#&تنزیل؛ بود؛ هنگامیکه حالت وحی به پیامبر(ص) دست می داد و به تدریج می آمد، ایشان به کتاب وحی می گفتند و آنها می نوشتند و جمع آوری می کردند و از آنجا که اصل قرآن در نزد پیامبر(ص) بود گاهی می فرمودند این سوره تمام نشده و یا اینکه مثلاً جای دو آیه خالی بگذارید بعد که آمد می گویم که بنویسید. چون همه قرآن در نزد ایشان بود و یا وقتی سوره ها تمام می شد می فرمودند که این سوره تمام شد و می توانید بخوانید و تبلیغ و ترویج کنید.

***** استاد در مورد اینکه گفته می شود امور یکساله عالم و بندگان در این شب به امضای ولی خدا می رسد بر اساس آیه 171#&تنزل الملائكة و الروح فيها باذن ربهم من كل امر؛ به چه معناست؟

****:** در این آیه خطاب به پیامبر(ص) آمده که فرشته ها و روح که جبرئیل است تمام امورات یکساله آینده را که می خواهد انجام بگیرد همه را در شب قدر به نزد تو می آورند؛ چون پیامبر(ص) خلیفه الله بودند و بعد ایشان حضرت علی(ع) و بعد امام حسن(ع) و امام حسین(ع) و دیگر فرزندان ایشان تا امروز که حضرت مهدی(عج) حجت الهی هستند تمام امور بندگان را به نزد خلیفه الهی می آورند تا اجرا گردد. مطلبی مطرح می شود که خب اگر خداوند برنامه ریزی کرده است که یکساله این برنامه انجام گیرد خب چرا شب قدر و چرا نزد ولی عصر(عج) می آورند؟ حکمت اش چیست؟

جواب این پرسش را خداوند در سوره دخان بیان فرموده است که اول سوره دخان می فرماید: 171#&حم * وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ * فِيهَا يُقَرَّرُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ * أَمْراً مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ * رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ یعنی این شب مبارک همان قدر است که تمام امور که از حکمت خدا نشأت می گیرد و حساب شده است در این شب ثبت و قطعی می شود و بعد در آیه 5 می فرماید: امرا من عندنا یعنی اینها را من خدا تنظیم می کنم و 171#&انا كنا مرسلين؛ ما به فرشته ها و جبرئیل می دهیم که به نزد امام عصر بیاورد و اینجا خاصیت این مسئله را می فرماید که 171#&رحمت من ربك؛ و این رحمتی از پروردگار توست که او شنوای داناست. چون امام عصر(عج) خلیفه الله است و مستجاب الدعوه است و برای همین به ما می گویند که شب قدر بیدار باشید و عبادت کنید تا با دعای ایشان گرفتاری ها برداشته شود و آنهایی که قرار است بمیرند، عمر بیشتری برایشان مقدر شود و یا حوادث بد برداشته شود و از دعای امام عصر(عج) در این شب استفاده شود و آن شب عبادتهایی که مردم می کنند جلب رحمت کند و در ادامه خداوند می فرماید 171#&انه هو سمیع علیم؛ یعنی من سمیع و علیم هستم و دعا کنید و بخواهید که بدی ها را برمی دارم و دعاها را مستجاب می کنم و رحمت الهی از این جهت است که این امور به نزد مستجاب الدعوه ای بیاید که از آبروی او استفاده شود و گرفتاری ها و ناراحتی را برداشته شود و به خیر مردم منتهی شود.

در سوره دخان خداوند علت فرستادن امور بندگان را بیان فرموده است که رحمت برای مردم است و اینکه این امور به نزد امام عصر(عج) می آید تا اذان صبح ادامه دارد که قرآن می فرماید: 171#&سلام هی حتی مطلع الفجر؛ در گذشته سلاطین و پادشاهان روز سلام داشتند و شاه در آن روز سمت و صله می داده و به قولی باب رحمتش باز بوده و خداوند در این سوره می فرماید که من شب سلام دارم و در این شب باب رحمت من باز است و آمرزش و خواسته و حوائج و... انجام می گیرد و برای همین توصیه کرده اند که شب قدر نخوابید و بیدار باشید و عبادت کنید تا مطلع فجر.

*: امضای تقدیر یکساله انسانها به دست ولی خدا چه ارتباطی می تواند با حدیث "من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه" داشته باشد؟

** خداوند هنگامی که حضرت آدم صفة الله(ع) را فرستاد به او گفت ای آدم من در زمینی که تو می روی در آن زندگی کنی، همیشه یک #171& مهدی را؛ در بین شما دارم که در سوره طه و بقره بدان اشاره شده است. در آیه 123 سوره طه بعد از اینکه در آیات قبل خداوند از زمین اطلاعاتی به آدم داد، می فرماید: #171&...؛ فَاِمَا يَأْتِيَتَكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَن اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى؛ یعنی #171&؛ پس اگر برای شما از جانب من رهنمودی رسد هر کس از هدایتم پیروی کند نه گمراه می شود و نه تیره بخت را؛ این آیه این را می گوید که همیشه مهدی از طرف من به سوی شما است یعنی یک نفر را من هدایت می کنم من هادی و او مهدی است و او شما را هدایت می کند و هر کس دنبال مهدی من برود- که خود حضرت آدم(ع) اولین مهدی بوده است اصلا تمام انبیاء و رهبران آسمانی را مهدیون، معصومون، مقربون، متقون، مؤمنون ... می گویند- گمراه نمی شود.

در اوایل سوره بقره در آیه 38 نیز خداوند به مسئله مهدی اشاره می کند و می فرماید: #171&؛ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَاِمَا يَأْتِيَتَكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَن اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ مهدی من همیشه هست فمن تبع هدای ... هدایتهای من را از مهدی من بگیرید اگر کسی تبعیت کند فلاخوف ... بلافاصله خداوند می فرماید #171&؛ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا اُولَٰئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ کسی دنبال مهدی من نرود کافر است چون خداوند اول خود را به همه معرفی می کند و وقتی خداوند را بپذیرند بعد پیغمبر را و بعد مهدی را معرفی می کند وقتی خدا را نپذیرند دنبال مهدی نمی روند در آیه 39 بقره به صراحت این مسئله گفته شده است که ارتباط این آیه را با حدیث "من مات ومن يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه" روشن می کند کسانی که دنبال مهدی نرفتند گویی اصلا اسلام را ندیده و به کفر رفتند.

*: علت اختلاف در شب قدر چیست؟ آیا از زمان پیامبر(ص) این مسئله وجود داشته یا خیر؟

** در زمان پیامبر(ص) و در صدر اسلام شب قدر مشخص بود اما بعدها مسائل سیاسی باعث این اختلافات شد والا همه مردم می دانستند که شب قدر چه وقتی است. بعد از رحلت پیامبر(ص) و وقایعی که در جامعه مسلمین اتفاق افتاد، حاکمیت بیم شب قدر را داشت که ملائکه و روح که در این شب می آیند پهلوی حضرت علی(ع) و نمی آیند پهلوی خلیفه اول چه می شود و علت این ترس و نگرانی هم برای این بود که مردم در زمان پیامبر(ص) که می دانستند شب قدر کی هست، صبح فردای شب قدر مردم دور پیامبر(ص) جمع می شدند و سؤالات خود را می کردند مثلا می پرسیدند یا رسول الله مرگ من امسال واقع می شود یا نه یا ما این جنگ را پیروز می شویم یا نه و یا کشاورزی امسال چطور می شه و ... و پیامبر(ص) هم پاسخ می فرمودند. اما در زمان حضرت علی(ع) بیم این را داشتند که اگر مردم بروند به نزد علی(ع) جمع شوند همه چیز به هم می ریزد بنابراین در آن روز اطراف خانه ایشان را قرق می کردند. بعدها برای اینکه این مسئله اتفاق نیفتد و کسی از زمان قطعی شب قدر به این دلیل آگاه نشود ترفندی زدند به این شکل که این مطلب را اشاعه کردند که شب قدر در طول سال است ولی نمی دانیم چه شبی است و کسی که می خواهد شب قدر را احیا کند باید همه شبهای سال بیدار باشد تا کم شب قدر در میان مردم پنهان شود.

اول باری که این مسئله مطرح شد توسط خلیفه دوم در مسجد بیان شد که عبدالله بن عباس یک جوانی بود و به قولی از این نقشه و طرح توجیه نبود- البته پدرش توجیه بود- همین که خلیفه دوم گفت که شب قدر یک شبی در سال است و ما نمی دانیم؛ عبدالله بن عباس گفت: چه می گویی شب قدر در رمضان است مگر قرآن نمی گوید "انا انزلناه فی لیلة القدر ..." بعد در سوره بقره می فرماید: "شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن" پس معلومه که شب قدر در رمضان است اما تا خلیفه دوم آمد این فضا را جمع کند، عبدالله بن عباس ادامه داد: شب قدر دهه سوم ماه رمضان است مگر نمی دانی پیامبر(ص) تمام دهه سوم رمضان را در مسجد اعتکاف می کرد و دوباره تا خلیفه دوم آمد چیزی بگوید، عبدالله بن عباس ادامه داد، ای عمر! مگر آسمانها 7 تا نیست؟ و زمینها 7 تا نیست؟ مگر هفته 7 روز نیست؟ خب هفت شب مانده به آخر ماه رمضان، شب قدر است. به هر حال خلیفه دوم از این مسئله عصبانی شد و فضا به هم ریخت و مردم از مسجد خارج شدند. به خاطر این تبلیغات و نوع برخوردی که بعد از پیامبر(ص) صورت گرفت اهل سنت معتقدند که

شب قدر یک شب در سال است و نمی دانیم کی هست و برای درک شب قدر باید تمام شبهای سال را بیدار بود. بعدها که بنی العباس روی کار آمدند، شب 27 رمضان را برای خودشان درست کردند و در این شرایط ائمه صلاح ندیدند که بعد از آن خفقان ها که شب قدر مخفی شد این مسئله را آشکار کنند و فرمودند خب حالا دو شب و یا سه شب بگیرد تا باعث درگیری نشود و خیلی از امام صادق(ع) سؤال می کردند که آقا کدام از دو شب (21 یا 23 رمضان) شب قدر است؟ می فرمودند : برای این همه ثواب حالا دو شب بیدار باشید و به هر حال اگر سه شب بیان شده به خاطر کسب ثواب و عبادت بیشتر است والا شب قدر کاملا مشخص است.

*: برخی می گویند که شب قدر در واقع شناخت قدر و منزلت حضرت زهرا(س) و یا حضرت مهدی(عج) است آیا این درست است؟

** در واقع این بیان تعبیری است از عظمت شخصیت حضرت زهرا(س) چون قرآن می فرماید «انا انزلنا فی لیلة القدر...« و بعد می فرماید «و ما ادراك ما لیلة القدر« چه چیز تو را آگاهانید که شب قدر چیست؟ یعنی شب قدر خیلی درجه بالایی دارد و درک شب قدر برای افرادی مثل ما مجهول است و آن وقت مثال قدرهای خیلی بزرگ مجهول را به شب قدر می زنند مثل شخصیت حضرت زهرا(س) یا حضرت مهدی(عج) یعنی حتی اگر آنها را بشناسیم در واقع آنها را نشناخته ایم اینقدر شخصیت این بزرگواران عظیم است.

*:استاد در آخر چه توصیه هایی برای بهره مندی بیشتر از شب قدر دارید؟

** برای تمام بهره وری از قرآن، انبیا و دین دو حجت از طرف خدا در انسانها هست یکی حجت درونی که عقل است و حجت بیرونی که انبیا و ائمه هستند که از آنها به عقل کوچک و عقل بزرگ تعبیر شده است و هر دو هم از هم حرف می زنند و عقل هایی که در انسانها هست، حجت الله است چون اگر عقل نداشتیم اصلا تکلیف بر ما نمی آمد چون به دیوانه ها که کار ندارند. این عقل را باید تبعیت کنیم و آن عقل ما را به عقل بزرگ -که انبیا و ائمه اطهار هستند رهنمون می شود. این دو عقل را همیشه در نظر بگیریم. خب شب قدر یک شب است و می گذرد؛ خود این قرآن به این عظمت در بین ماست و عقل به ما می گوید این کتاب وحی آسمانی از همه بهتر است خب برویم دنبالش و از طرفی عقل می گوید که دستورات انبیا و اولیاء از همه سالمتر است خب در پی آن برویم. این دو حجت را دائما پیروی کنیم و همیشه عقل را در نظر بگیریم و خود عقل ما را رهبری به عقل بزرگ می کند که دستور را از نماینده خدا و رسول الهی بگیر که یکی از این دستورات بزرگداشت شب قدر است که در مورد آن روایاتی به ما رسیده است از جمله اینکه حضرت زهرا(س) تأکید بر بیداری این شب داشتند و به بچه ها ایشان می گفتند که در روز بخوابند که در شب بیدار باشند و یا به آنها غذا و خوراکی می دادند که بیدار بمانند. ببینید همین بیدار ماندن در شب قدر چقدر فضیلت دارد چه برسد به انجام اعمال و عبادات. پیرمردی نزد امام صادق (ع) اظهار عجز و ناتوانی در بیدار ماندن در شب قدر کرد و ایشان فرمود که اگر خیلی ناچاری که بخوابی خب سرشب کمی بخواب تا بتوانی نیمه شب بیدار بمانی. پس افراد خود را مقید کنند که شب قدر بیدار بمانند چون در این شب به اندازه 83 سال و 4 ماه و یا بیشتر عمل می خواهد به پرونده برود و این فرصت را از دست ندهند تا قیامت که می خواهند پرونده را باز کنند مزد بدهند و حیف است که این فرصت از دست برود. در کنار شب زنده داری شب قدر عبادات دیگری نیز توصیه شده است و حوائج دنیوی و اخروی شان برآورده می شود چون سلام هست یعنی باب رحمت باز است و می فرماید بخواهید و ما می دهیم. در روایاتی که به ما رسیده است بر قرائت سوره قدر و توحید بسیار تأکید شده است و بهتر است که در همه نمازهای مستحب و واجب رکعت اول قدر و رکعت دوم توحید خوانده شود که بسیار ثواب دارد و قرائت سوره قدر یک چهارم کل قرآن ثواب دارد یعنی ثواب خواندن 4 بار سوره قدر به اندازه کل قرآن است همانطور که سوره توحید یک سوم کل قرآن است و در اعمال ماه مبارک رمضان بیشترین سوره ای که در نمازها توصیه شده است سوره قدر و توحید است و قدر خواندن این سوره ها را بدانیم.

.....

